

راستی، موجب رضای خداست

مثل معروفی است که همه تقریباً از دوران کودکی آن را شنیده ایم و یا در کتاب های دوران ابتدایی خوانده ایم. گویند در روستایی چوپانی بود که هر بامدادان رمه اهالی را به صحرا می برد و شامگاه بر می گرداند. این چوپان یک روز از سر مذاح و شوخی به نزدیک روستا آمده ، بانگ بر آورد : **گرگ آمد، گرگ آمد .**

صاحبان گوسفند هراسان رو به صحرا نهادند تا خطر گرگ را رفع نمایند. چون به رمه رسیدند از گرگ خبری نبود. یکی دو بار چنین کرد و موجب شد تا مردم نسبت به او بی اعتماد شوند.

از قضا روزی چند گرگ به گله حمله ور شدند و چون چوپان به تنهایی یارای برابری و مبارزه با آنها را نداشت به سوی روستا دوید ، هرچند فریاد زد که گرگ آمد گرگ آمد ، کس باور نکرده از جای خود نجنبید. التماس کرد کس باور نکرد، سوگند خورد بی فایده بود . « کور از خدا چه می خواهد؟ دو چشم بینا» گرگان کردند آنچه نباید می کردند تا جایی که توانستند دریدند و خوردند و پراکندند . این بود حکایت و داستان چوپان دروغگو.

آنهايي که در ورزش هستند و گوشه ای از مسئولیت های ورزش استان را در اختیار گرفته اند همه محترم اند و قابل احترام بشرطی که سخن جزء به راستی نگویند و کار جزء به درستی نکنند.

اگر وعده کردند ، وفا کنند ، همه بدانند که امانت دارند و باور کنند که خیانت در امانت گناهیست نا بخشودنی. نباید دروغ گویند. و یا گفته اند که یک بز گر ، گله را گر می کند و اگر یکی در امانت خیانت کند آبروی امانت داری می ریزد و اگر یکی وعده خلافی بکند حرمت وفای به عهد را می شکند. اگر دروغگو در رده های ورزش و فوتبال باشد به مراتب بدتر است و اگر در کار او نادرستی بروز کند ، بذر نادرستی و حرام افشاند می شود که گفته اند: مردم به دین ملوک خویش اند. اگر همین حقیر بی مقدار دروغ بنویسد خوانندگان خود را مبتلا می کنم و گناه همه به پای من نوشته می شود که علت را باید ریشه کن کرد نه معلول را. دروغ چه یک کلمه باشد و چه صد کلمه تفاوت نمی کند.

دروغ گویی از بزرگترین گناهان، ناستوده ترین رذایل اخلاقی، بدترین آفات زبان، زیان بارترین معصیت ها و خط فاصل مابین حق و باطل است که اعتماد و اطمینان را از جامعه سلب کرده ، انسان را از گام نهادن در مسیر پاکسازی نفس، تهذیب اخلاق و سیر وسلوک به طور جدی محروم می سازد.

در آئین صداقت محور اسلام هیچ گناهی همانند دروغ گویی مورد نکوهش قرار نگرفته است ، واژه کذب و مشتقات آن حدود سیصد بار در قرآن به کار رفته که نشان از اهتمام شرع مقدس به دور ساختن پیروان خود از این خصلت ناپسند دارد.

دروغ گویی معمولا از یک سلسله نقطه ضعف های روحی سرچشمه می گیرد و بنا بر گفته دانشمندان علوم تربیتی و اخلاقی چنانچه علل و عوامل مختلفی که باعث آلودگی انسان به این بیماری خطرناک می شود از باطن و روان آدمی برطرف گردد، ریشه فعالیت آن نیز عملا در وی خشک شده و انسان از وبال نکبت بار آن نجات می یابد.

عقده حقارت، ترس ، تعصبات کور، کینه ورزی و انتقام جویی ، حسد، طمع ورزی، عادت و مباحات و فخر فروشی از مهمترین عوامل گرفتاری به دروغ گویی به شمار می رود.